



آموزه دهم: سبک‌شناسی دوره معاصر و انقلاب اسلامی

الف) شعر

سطح زبانی

با توجه به شرایطی که به وجود آمد و حوادثی که بر جامعه و ادبیات مؤثر واقع شد، در سطح زبانی شعر معاصر این موارد قابل بررسی هستند:

- ❑ لغات و ترکیبات امروزی و جدید وارد شعر شده است؛
- ❑ دست شاعر برای استفاده از همه واژه‌ها باز است؛
- ❑ سادگی و روانی زبان شعر و جمله‌بندی‌های ساده در شعر معاصر کاملاً چشمگیر است.

سطح ادبی

- از آنجا که شعر نو نیمایی رواج یافته و سنت شکنی‌ها در قالب شعر و موسیقی و قافیه مقبول طبع بسیاری قرار گرفته است، تغییر در قالبهای شعری مشهود است و واحد شعر بیشتر بند است نه بیت؛
- ❑ آرایه‌های بیانی و بدیعی به صورت طبیعی وارد شعر می‌شود؛
 - ❑ علاوه بر قالبهای سنتی، قالب نیمایی و سپید پرکاربرد است؛
 - ❑ در اشعار نو تساوی طولی مصراعها رعایت نمی‌شود و مصراع‌ها از نظر تعداد پایه‌های آوایی هم‌اندازه نیستند؛
 - ❑ ابهام در شعر معاصر پسندیده است و معنی‌گریزی، از ویژگی‌های شعر این دوره است؛
 - ❑ صور خیال، جدید و نو هستند و تکرار تصاویر شاعران دوره‌های قبل نیستند؛
 - ❑ گرایش به نماد در تصاویر شعری بیشتر می‌شود؛
 - ❑ انتخاب وزن، متناسب با لحن طبیعی گفتار و زبان شعر است.

سطح فکری

- تغییرات فضای سیاسی و اجتماعی جامعه و تحولاتی که در ایران به وقوع پیوسته بود، در حوزه فکری شعر معاصر مسائل تازه‌ای را به وجود آوردند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:
- ❑ معشوق در ادبیات معاصر مانند دوره‌های آغازین شعر فارسی زمینی است؛
 - ❑ مخاطب شعر عامه مردم، هستند؛
 - ❑ تفکر شاعر بیشتر زمینی و پیرامون امور دنیوی است؛
 - ❑ موضوع شعر محدود نیست و بسیار تنوع دارد و شاعر برای انتخاب موضوع آزاد است؛
 - ❑ مفاهیم خصوصی، سیاسی و اجتماعی بسیار مورد توجه شاعران قرار گرفته‌اند؛
 - ❑ لحن شاعر صمیمانه و متواضعانه است؛
 - ❑ مدح و ذم و هجو در شعر این دوره بسیار کم است.

ب) نثر

سطح زبانی

- ❑ در نثر این دوره، شماری از واژه‌های اروپایی به زبان فارسی راه یافته‌اند؛
- ❑ از واژه‌های عربی نسبت به گذشته کاسته شده است؛
- ❑ بسیاری از واژه‌ها، کنایات و اصطلاحات عامیانه وارد نثر داستانی این دوره شده‌اند؛



- ❑ نثر داستانی در این دوره به شدت تحت تأثیر گفتار و محاوره افشار اجتماعی ایران است؛
- ❑ بسیاری از افعال حذف می شوند و ساختار نحوی جمله‌ها به هم می ریزد و کوتاهی جملات و فعلها در کلام فراوان دیده می شود.

❑ سطح ادبی

- ❑ در این دوره گونه های نثر فنی و مصنوع جایگاهی ندارند؛
- ❑ توصیف پدیده‌ها و شخصیت‌ها در نثر این دوره عینی، کوتاه، بیرونی و مشخص است؛
- ❑ قالبها و ساختار داستانی متنوع و گوناگون است؛ سفرنامه، خاطره، داستان کوتاه و بلند،
- ❑ نثر تحقیقی و دانشگاهی، رمان، نمایشنامه و ... مورد توجه نویسندگان معاصر قرار گرفته است؛
- ❑ در نثر این دوره سبکهای متفاوتی در داستان نویسی وجود دارد؛ برای نمونه بر اساس نام نویسنده: سبک جمالزاده، سبک آل احمد، سبک هدایت و سبک دولت آبادی.

❑ سطح فکری

- ❑ نثر داستانی این دوره تنوع مضمون دارد؛ مانند داستانهای اقلیمی، شهری، کودکانه، زنانه و ... ؛
- ❑ رمانهای تاریخی، سیاسی، علمی، فلسفی و ... نگاشته می شوند؛
- ❑ اساطیر یونانی، رومی، هندی و عبری رد پای آشکاری در داستان‌نویسی معاصر دارند؛
- ❑ مکتب های فلسفی و ادبی قرن نوزدهم و بیستم اروپا مانند رمانتیسیم در ادبیات داستانی این دوره حضوری آشکار و تأثیرگذار دارند؛
- ❑ از موضوعات عمده داستان در این دوره می توان به عشق، انسان، سنتیز با خرافات،
- ❑ آموزش و پرورش، نفت، مسائل زنان، روشن فکری، سرمایه داری، کارگری، سیاست، استبداد، انقلاب، جنگ و دهها موضوع دیگر اشاره کرد.

سبک‌شناسی دوره انقلاب اسلامی

الف) شعر

با توجه به زمینه هایی که در ادبیات انقلاب به وجود آمد و رویکردهایی که از نظر زبانی، ادبی و فکری در آن وجود داشت، مهمترین ویژگی های سبکی شعر این دوره را می توان این گونه ذکر کرد:

❑ سطح زبانی

- ❑ زبان و واژگان شعری در قصاید دوره انقلاب به سبک خراسانی نزدیک است؛
- ❑ واژگان متناسب با دین، جبهه و جنگ، شهادت، ایثار و وطن دوستی در شعر و نثر این دوره بیشتر شد.
- ❑ باستان گرایی و علاقه فراوان به استفاده از واژه های کهن در زبان شعر این دوره محسوس است؛
- ❑ آشنایی زدایی زبانی و روی آوردن به ترکیب های بدیع و بی سابقه یکی از مشخصه های دیگر شعر این دوره است که در نتیجه روی آوردن به مفاهیم انتزاعی حاصل شده است.

❑ سطح ادبی

- ❑ در دهه های چهل و پنجاه، شعر نیمایی مورد توجه روشن فکران بود؛ اما بعد از پیروزی انقلاب، قالب های سنتی مورد توجه قرار گرفت و شیوه نیمایی به ویژه در میان جوانان و انقلابیون تا حدودی از رونق افتاد و قالب های قصیده و غزل رایج شدند؛
- ❑ در شعر سنتی این دوره تقلید از سبک عراقی و خراسانی و تمایل به آنها زیاد است؛
- ❑ گرایش به خیال بندی، شعر برخی شاعران این دوره را گاه به شعر بیدل و صائب نزدیک کرده است؛



□ در سال های نخستین، شعر این دوره از تمثیل و نمادگرایی کمتر بهره گرفته است و شاعران به صراحت بیان روی آورده اند؛ اما به تدریج با الهام از فرهنگ اسلامی، تمثیل و نماد در ادبیات راه پیدا کرده است.

□ سطح فکری

□ در شعر این دوره شاعران به مفاهیم و مضامین اسلامی به ویژه فرهنگ عاشورایی توجه نمودند؛
□ روح حماسه و عرفان در شعر این دوره آشکار است. در حماسه بُعد زمینی غلبه دارد و در عرفان بُعد آسمانی؛ تلفیق این دو را در غزل حماسی انقلاب می توان دید؛

□ روی آوردن به مفاهیم انتزاعی در شعر این دوره آشکار است؛

□ فرهنگ دفاع مقدس یکی از اصل یترین درونمایه های شعر این دوره است؛

برخی از ویژگی های سبکی شعر این دوره را در نمونه زیر می یابیم:

سراپا اگر زرد و پژمرده ایم، / ولی دل به پاییز نسپرده ایم
چو گلدان خالی لب پنجره / پر از خاطرات ترک خورده ایم
اگر داغ دل بود، ما دیده ایم اگر خون دل بود، ما خورده ایم
اگر دل دلیل است، آورده ایم / اگر داغ شرط است، ما برده ایم
اگر دشمنه دشمنان، گردنیم / اگر خنجر دوستان، گرده ایم
گواهی بخواهید، اینک گواه / همین زخم هایی که نشمرده ایم!

دلی سربلند و سری سر به زیر / از این دست عمری به سر برده ایم (قیصر امین پور)

◀ کالبد شکافی چامه

سراپا اگر زرد و پژمرده ایم، / ولی دل به پاییز نسپرده ایم

قلمرو زبانی: پژمردن: پلاسیدن / **قلمرو ادبی:** قالب: غزل / وزن: فعولن فعولن فعولن فعل / سراپا: مجاز از همه وجود / زرد بودن: کنایه از بیماری

و پژمردگی / دل سپردن: کنایه از فریفته شدن / پاییز: نماد پژمردگی و اندوه / سر، دل، پا / پژمرده ایم: استعاره پنهان

بازگردانی: اگر چه بیمار و اندوه، هستی مان را آکنده است؛ ولی تسلیم غم و اندوه نخواهیم شد و با آن می جنگیم.

پیام: امید به آینده شکوفا

چو گلدان خالی لب پنجره / پر از خاطرات ترک خورده ایم

قلمرو زبانی: لب: کنار / **قلمرو ادبی:** چو گلدان: تشبیه / خاطرات ترک خورده: کنایه از خاطرات رو به فراموشی

بازگردانی: ما مانند گلدان خالی لب پنجره که ترک خورده است در حال فراموش کردن خاطرات شیرین گذشته ایم.

پیام: فراموشی خاطرات شیرین

اگر داغ دل بود، ما دیده ایم / اگر خون دل بود، ما خورده ایم

قلمرو زبانی: داغ: سوزان، نشانه / **قلمرو ادبی:** خون دل خوردن: رنج و درد کشیدن / موازنه / واج آرایی «د»

بازگردانی: اگر داغ دلی بود ما آن داغ را کشیده ایم. اگر باید رنجی ببریم ما آن را به جان خریده ایم.

پیام: بازگفت درد دل

اگر دل دلیل است، آورده ایم / اگر داغ شرط است، ما برده ایم

قلمرو زبانی: دلیل: برهان، بینه / **قلمرو ادبی:** واژه آرایی: است / واج آرایی «د» / واژه آرایی: اگر



بازگردانی: اگر نیاز به دلیل احساسی است ما آن را ارائه داده ایم و اگر رنج نیاز است ما انسانی رنج کشیده ایم.

پیام: بازگفت درد دل

اگر دشمن دشمنان، گردنیم / اگر خنجر دوستان، گرده ایم

قلمرو زبانی: دشنه: گونه‌ای تیغ و کارد / گرده: میان دو شانه / **قلمرو ادبی:** گردنیم: تشبیه (ما مانند گردنیم) / گرده ایم: تشبیه (ما مانند گرده ایم) / واج

آرایی «ن» و «گ» / تضاد: دوستان، دشمنان / تناسب: گرده، گردن؛ دشنه، خنجر / واژه آرایی: اگر / موازنه

بازگردانی: اگر دشمنان بخواهند با ما دشنه زنند ما می پذیریم و اگر دوستان بخواهند به ما خنجر زنند تن می دهیم.

پیام: تن دادن به بلا

گواهی بخواهید، اینک گواه / همین زخم هایی که نشمرده ایم!

قلمرو زبانی: گواه: شاهد / اینک: اینهاش، اکنون / **قلمرو ادبی:** زخم های نشمرده: کنایه از زخمهای فراوان / جناس: گواه، گواهی

بازگردانی: اگر از من گواهی و شاهد بخواهید زخم های فراوان بدنم این ادعا را ثابت می کند.

پیام: زخمهای ما گواه بردباری ماست.

دلی سربلند و سری سر به زیر / از این دست عمری به سر برده ایم

قلمرو زبانی: دست: نوع / **قلمرو ادبی:** سربلند: کنایه از سرافراز / سر به زیر بودن: کنایه از فروتن بودن / سر، دل: تناسب / ایهام تناسب: دست در

معنای عضو تن با واژه «سر» و «دل» / به سر بردن: کنایه از زندگانی کردن / سر نخست و سوم: جناس همسان

بازگردانی: .

پیام: ما همیشه سرافراز و فروتن بوده ایم و عمری با این شیوه زیسته ایم.

ب) نثر

□ سطح زبانی

□ زبان داستان‌ها به ویژه در زمان جنگ بیشتر عامیانه است؛

□ ساده نویسی که در دوره های پیش شروع شده بود، در این دوره نیز ادامه یافت؛

□ با انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی، بسیاری از واژه های مربوط به فرهنگ ایثار و شهادت و مبارزه و مقاومت وارد زبان داستان این دوره شد. البته بیشتر این واژه‌ها برگرفته از فرهنگ اسلامی است.

□ سطح ادبی

□ از پایان دهه پنجاه تا پایان دهه شصت، گرایش به داستانهای بلند بیشتر از داستان کوتاه است. در صورتی که قبل از انقلاب اقبال به داستان کوتاه، هم در میان مردم و هم نویسندگان وجود داشت. این روند از آغاز دهه هفتاد شکل دیگر به خود گرفت و گرایش به داستان کوتاه بیشتر شد؛

□ در دهه نخست انقلاب، دوری از سبک های جدید داستان دیده می شود؛ اما به تدریج به ویژه بعد از جنگ، گرایش به سبک های جدید داستان نویسی مانند جریان سیال ذهن بیشتر می شود و نیز در دهه هشتاد شاهد داستانک نویسی (مینی مال) و مدرن نویسی هستیم؛

□ گرایش به برخی قالب های دیگر مانند خاطره، قطعه ادبی، سفرنامه، شرح حال و نوشته های ادبی تحقیقی رایج شد.

□ سطح فکری

□ تنوع موضوعها یکی از خصایص برجسته ادبیات داستانی پس از انقلاب است. دگرگونی های بنیادی، مانند مقاومت هشت ساله مردم در جنگ تحمیلی و استکبارستیزی، سرچشمه‌ای برای نویسندگان بعد از انقلاب شد؛



❑ اندیشه حاکم بر داستان های دهه اول پس از پیروزی انقلاب، ابتدا سیاسی و در مرحله بعد، اجتماعی است؛

❑ از مضامین نثر این دوره می توان به موارد زیر اشاره کرد:

بی توجهی به مادیات، دعوت به اخلاقیات، استکبارستیزی، مبارزه با بی عدالتی اجتماعی، استقبال از شهادت و فرهنگ ایثار و دفاع از وطن.

❑ یکی از ویژگی های ادبیات داستانی معاصر تا پیش از انقلاب، غیردینی و گاه ضددینی بودن آن است. حتی گاهی در آثار غیردینی مبارزه با اصل اسلام و تعالیم آن دیده می شود. درحالی که در ادبیات بعد از انقلاب چهره دین و دین داری در داستانها بسیار مطلوب منعکس شد؛

❑ تفکر انسان گرایانه (اومانیزم) که در آثار قبل از انقلاب وجود داشت، گاهی در برخی از آثار بعد از انقلاب به گونه ای کمرنگ مشاهده می شود.

برخی از ویژگی های نثر این دوره را در متن زیر می یابیم:

آفتاب، چشم هایمان را می زد، برای همین دستتان را بر چشم های درشتتان که در نور آفتاب جمع شده بود، حمایل کرده بودید، دست دیگرتان را هم به هنگام صحبت کردن تکان می دادید، با یک سال و نیم پیش فرق زیادی نکرده بودید. جز ریش هایمان که پرت و بلندتر شده بود و رنگ چهره تان که آفتاب خورده تر و تیره تر. لباس نظامی به تنتان برانزده بود، شکیل تر از همیشه که کت و شلوار می پوشیدید. وقتی یقینم شد که خودتانید، نزدیک بود بی اختیار به سویتان خیز بردارم و فریاد بزنم: آقای موسوی! من موحدی ام، شاگرد شما.

(سید مهدی شجاعی)

◀ خودارزیابی

۱- دو مورد از ویژگی های زبانی شعر معاصر (تا انقلاب اسلامی) را بنویسید.

❑ لغات و ترکیبات امروزی و جدید وارد شعر شده است؛

❑ دست شاعر برای استفاده از همه واژه ها باز است؛

❑ سادگی و روانی زبان شعر و جمله بندی های ساده در شعر معاصر کاملاً چشمگیر است.

۲- وضعیت حماسه و عرفان را در شعر دوره انقلاب بنویسید.

❑ روح حماسه و عرفان در شعر این دوره آشکار است. در حماسه بُعد زمینی غلبه دارد و در عرفان بُعد آسمانی؛ تلفیق این دو را در غزل حماسی انقلاب می توان دید؛

۳- از ویژگی های زبانی نثر معاصر (تا انقلاب اسلامی) دو مورد را بنویسید.

❑ در نثر این دوره، شماری از واژه های اروپایی به زبان فارسی راه یافته اند؛

❑ از واژه های عربی نسبت به گذشته کاسته شده است؛

❑ بسیاری از واژه ها، کنایات و اصطلاحات عامیانه وارد نثر داستانی این دوره شده اند؛

❑ نثر داستانی در این دوره به شدت تحت تأثیر گفتار و محاوره اقشار اجتماعی ایران است؛

❑ بسیاری از افعال حذف می شوند و ساختار نحوی جمله ها به هم می ریزد و کوتاهی جملات و فعلها در کلام فراوان دیده می شود.

۴- با توجه به شعر زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

پیش از تو آب معنی دریا شدن نداشت / شب مانده بود و جرئت فردا شدن نداشت

بسیار بود رود در آن برزخ کبود / اما دریغ، زهره دریا شدن نداشت

در آن کویر سوخته، آن خاک بی بهار / حتی علف اجازه زیبا شدن نداشت

گم بود در عمیق زمین شانه بهار / بی تو ولی زمینه پیداشدن نداشت



دل‌ها اگرچه صاف، ولی از هراس سنگ / آینه بود و میل تماشا شدن نداشت
چون عقده‌ای به بغض فرو بود حرف عشق / این عقده تا همیشه سر و آشدن نداشت **(سلمان هراتی)**

(الف) ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری شعر را بنویسید. (از هر یک دو مورد)

زبانی) سادگی و روانی شعر / جمله بندی‌ها ساده است / فراوانی واژگان فارسی / ترکیب‌های بدیع مانند: برزخ کیود و خاک بی بهار /
واژگان متناسب با ایثار و جنگ / **(ادبی)** قالب: غزل / وزن: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن / نماد: آب، شب - رود - دریا / **فکری:** شعر
خطاب به رهبر است / معشوق آسمانی است / لحن شاعر متواضعانه است و به توصیف پیش از انقلاب و پس از انقلاب می پردازد

◀ کالبدشکافی جامه

پیش از تو آب معنی دریا شدن نداشت / شب مانده بود و جرئت فردا شدن نداشت

قلمرو زبانی: جرئت: یارا / تو: منظور رهبر است / **قلمرو ادبی:** قالب: غزل / وزن: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن / معنی نداشتن: کنایه از اینکه بسیار
بعید بود / آب: نماد آدمیان پاکدل / دریا شدن: کنایه از همبسته و یکپارچه شدن / شب: نماد ستم و سیاهی / شب ... جرئت نداشتن: جانبخشی، استعاره
پنهان / فردا: مجاز از روز

بازگردانی: پیش از تو مردم پاکدل نمی توانستند به هم بپیوندند. ستم و ستمگری رواج داشت و امیدی به پایان آن نبود.

پیام: بزرگداشت رهبر

بسیار بود رود در آن برزخ کبود / اما دریغ، زهره دریا شدن نداشت

قلمرو زبانی: برزخ: فاصله میان دو چیز، جهان میان دنیا و آخرت / کبود: آبی سیر / دریغ: افسوس / زهره: یارا، جرئت / **قلمرو ادبی:** رود: نماد یا
استعاره آشکار از شهروندان پاکدل / برزخ کبود: استعاره از بازه میان حکومت شاه و جمهوری اسلامی / دریا شدن: کنایه از همبسته و یکپارچه شدن
/ رود، دریا: تناسب /

بازگردانی: در روزگار خودکامگان شهروندان آزاده و پاکدل بسیار بودند؛ اما توان اجتماع کردن و گردهم آیی نداشتند.

پیام: ممنوعیت آزادی خواهی و اجتماع

در آن کویر سوخته، آن خاک بی بهار / حتا علف اجازه زیبا شدن نداشت

قلمرو زبانی: کویر: شوره زار، نمکزار / **قلمرو ادبی:** کویر سوخته: استعاره آشکار از حکومت ستم شاهی / سوخته: کنایه از بی بار و بر / خاک:
مجاز از سرزمین / بهار: نماد شکوفایی و زندگی / بی بهار: مجاز از «همیشه زمستان» / علف: استعاره آشکار از شهروندان معمولی یا استعاره پنهان
و جانبخشی / زیبا شدن: کنایه از خودنمایی و خودآرایی

بازگردانی: ایران در روزگار خودکامگان همچون کویر سوخته و زمین بی بر و بار بود و حتا شهروندان معمولی نیز نمی توانستند پیشرفت
کنند و خودی بنمایند.

پیام: اختناق جامعه

گم بود در عمیق زمین شانه بهار / بی تو ولی زمینه پیدا شدن نداشت

قلمرو زبانی: عمیق زمین: عمق زمین (ویژگی سبکی) / تو: منظور رهبر است / زمینه: بستر / **قلمرو ادبی:** بهار: نماد شکوفایی و سرسبزی و

زندگی / شانه بهار: اضافه استعاری، استعاره پنهان / ولی: ایهام (۱- اما ۲- ولی فقیه) /



بازگردانی: در این سرزمین خشک و بی بر و بار، بهار و روزگار شکوفایی مردم فرامی رسیده؛ نیز هیچ امیدی نبود که بی تو بهار شکوفایی از راه رسد.

پیام: بزرگداشت رهبر

دل‌ها اگرچه صاف، ولی از هراس سنگ / آینه بود و میل تماشا شدن نداشت

قلمرو زبانی: صاف: پاکدل / هراس: ترس / **قلمرو ادبی:** دل: مجاز از شهروند / سنگ: استعاره آشکار از کارگزاران حکومت / آینه: نماد پاکی و

خوبی / دل‌ها آینه بود: تشبیه / تماشا شدن: کنایه از به چشم آمدن و شناخته شدن

بازگردانی: شهروندان اگرچه پاکدل بودند؛ ولی از ترس کارگزاران خودکامه مانند آینه‌ای زیبا بودند که می ترسیدند دیگران ایشان را شناسایی کنند.

پیام: اختناق حاکم بر کشور

چون عقده‌ای به بغض فرو بود حرف عشق / این عقده تا همیشه سر و آمدن نداشت (سلمان هراتی)

قلمرو زبانی: چون: مانند / بغض: حالتی که شخص جلوی گریه خود را می گیرد / عقده: امیال سرکوب شده که عوارض آن در زندگی فرد ظاهر

می‌شود، گره / آمدن: باز شدن / **قلمرو ادبی:** سر: مجاز از قصد / عقده: واژه آرایی / آمدن: کنایه از بر طرف شدن

بازگردانی: حرف عشق مانند عقده در گلو گیر کرده بود و اجازه بروز نداشت و همیشه سر به مهر بود و هیچ امیدی نبود که عشق جایگاه خود را در جامعه بیابد.

پیام: پنهان بودن عشق در روزگار خودکامگان

(ب) بیت اول را تقطیع هجایی کنید و پس از تعیین وزن آن، یک اختیار شاعری زبانی و یک اختیار وزنی به کار رفته را مشخص کنید.

پیش از تو آب معنی دریا شدن نداشت/ شب مانده بود و جرئت فردا شدن نداشت			
پی شیز (از) تْ	آ ب مَع نِی (ن)	ی دَر یا شُ	دَنْ نَ داشت
شَب مان دِ	بو دُ جُر یَّ	تِ فَر دا شُ	دَنْ نَ داشت
U--	U-U-	U--U	-U-
مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن

اختیار زبانی حذف همزه: هجای دوم پایه آوایی نخست، تغییر کمیت: هجای هفتم مصراع نخست،

اختیار وزنی بلند بودن هجای پایان مصراع ها.

۵- متن زیر را از نظر قلمرو ادبی واکاوی کنید.

این تنگ عیشی برای او (مولوی) نوعی ریاضت نفسانی بود؛ ناشی از خست و خشک دستی نبود. از زندگی فقط به قدر ضرورت تمتع

می برد. بیش از قدر ضرورت را موجب دور افتادن از خط سیر روحانی خویش می یافت. **(عبدالحسین زرین کوب)**

قلمرو ادبی این نثر از نمونه های شرح حال نویسی ادبیات معاصر است؛ آرایه های ادبی کم است و متن بیشتر علمی است تا ادبی به دیگر

سخن نثر فنی و مصنوع نیست؛ زیرا سجع پردازی و تمایل به بهره گیری از واژگان دشوار، عبارات عربی و ... در آن دیده نمی شود.

جملات آن کوتاه، صریح و توصیف‌ها عینی، کوتاه، بیرونی و مشخص است. / قالب نوشته داستانی است و نثر پژوهشی و دانشگاهی.